



رشد جمعیت و ایجاد بحران

برگ های از تاریخ نروژ (۱)

کنند. از این رو این مردان دریایی ماجراجو رو به جنگ و غارتگری رو آوردند و تا آنجایی پیش رفتند که دیگر از ارتکاب جرم و جنایت نیز ابایی نداشتند. همین سرآغاز شهره ی مردمانی شد که اسم شان لرزه بر اندام بسیاری می انداخت.

نفوذ افکار و فرهنگ بر وایکینگ ها

اما وایکینگ به جز غارت و سرقت وسایل و اموال مورد نیاز خود، افکار جدیدی را نیز با خود به کشورهايشان آوردند. در پایان سالهای ۱۰۰۰ میلادی پادشاه معروف نروژ «اولاو هارالد Olav Harald» بر این شد تا دین مسیحیت را یگانه دین رسمی کشور اعلام کند. لذا قوانین سختی را در این باره به اجرا در آورد. بر طبق این



قوانین مخالفین و کسانی که حاضر به پذیرش مسیحیت نبودند مشمول مجازات های سنگین و جریمه های وحشتناکی می شدند. بسیاری حتی کشته نیز شدند. پادشاه اولاو هارالد خود نیز در سال ۱۰۳۰ میلادی در یکی از این جنگها علیه مخالفین جان خود را از دست داد. (ادامه دارد)

حوالی قرن هشتم میلادی رشد جمعیت نروژ چنان افزایش می یابد که ادامه حیات برای بسیاری از مردمانی که به زمینهایشان وابستگی داشتند را مشکل می کند. به گونه ای که تامین معیشت به شیوه ی سابق برای آنها ناممکن می شود. در نتیجه بسیاری از مردمانی که در کنار دریاها ساکن بودند و زندگی شان از راه صید می گذشت، به این فکر می افتند تا دریاها را در نوردند و مناطق بهتری را برای ادامه زندگی جستجو کنند.

وایکینگ ها

این مردمان از مهارتی که در کشتی سازی داشتند بهره برده و توانستند بدین وسیله به سرزمینهای دور و دراز سفر کنند. آنها به اسکاتلند، ایرلند، ایسلند و به شبه جزیره های اطراف پناه بردند و با تامین زندگی ساده برای خود و خانواده هایشان اولین اجتماع نخستین خود را بنا نهادند. این مردمان را وایکینگ می خواندند. وایکینگ ها در ابتدا به منظور تجارت و فروش محصولات دریایی سفر می کردند. آنها به ازای فروش محصولات خود، آهن و

فلزات تهیه می کردند. ولی بعدها دریافتند که می توان از راههای دیگری نیز کسب ثروت کرد. وایکینگ ها متوجه ثروت کلان و طلا و جواهراتی شدند که در کلیساه و صومعه های کوچک و بزرگ نهان بود. لذا ترجیح دادند به جای داد و ستد و تجارت، سرقت و غارتگری پیشه